

## بررسی و نقد مقاله تجوید از دانشنامه قرآن (اولیور لیمن)\*

محمدعلی رضایی اصفهانی\*\* و محسن قائمی\*\*\*

### چکیده

در این نوشتار، مقاله «تجوید» در دانشنامه قرآن با سرویراستاری اولیور لیمن، نوشته پروفیسور نواد کهتران، به روش تحلیلی توصیفی مورد بررسی قرار گرفته و نقاط مثبت و ملاحظاتی پیرامون آن یادداشت شده است. در کنار نقاط مثبتی همچون اشاره به برخی روایات متفق فریقین در باب فضیلت قرائت قرآن و تأکید بر لزوم همراهی زبان با عقل و دل در وقت قرائت، نقاط ضعفی نیز در ساختار، روش، منبع و محتوای این مقاله مشاهده شد. اشکالاتی همچون: عدم تخصص نویسنده در موضوع مقاله، عدم ذکر تاریخچه و پیشینه بحث، عدم ذکر منابع و اشاره به آنها در بحث‌ها، عدم اشاره به گستردگی دانش تجوید و ارتباط آن با دیگر علوم؛ همچنین به نواقص ترجمه این اثر و انتشار آن بدون مقدمه و پاورقی‌های اصلاحی در آن اشاراتی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن، تجوید، ترتیل، قرائت، دانشنامه قرآن، اولیور لیمن، نواد کهتران.

---

\*. تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۰ و تاریخ تأیید: ۹۸/۳/۲۴.

\*\*. استاد جامعة المصطفی العالمیة (rezaee@qurancs.com).

\*\*\*. دکتری مدرسی معارف اسلامی در گرایش قرآن و متون اسلامی - نویسنده مسئول (mohsenqaami@gmail.com).

## مقدمه

پروفسور الیور لیمن (Oliver Leaman) در سال ۲۰۰۵ م. به عنوان سروراستار، کتاب «قرآن، یک دایرةالمعارف» را در آمریکا در یک جلد گردآوری و منتشر نمود. همکاران اصلی او در تدوین این کتاب، هشت نفر بودند که با کمک چهل و سه نفر نویسنده، مقاله‌های کتاب را در ۴۶۸ مدخل تهیه کردند؛ البته از مجموع این مدخل‌ها، یکصد و سیزده مورد، ارجاعی است. یکی از مقالات این دانشنامه، تجوید (TAJWID) است که توسط پرفسور «نواد کهتران» (Nevad Kahteran) استاد فلسفه دانشگاه ساریو نوشته شده است.

در این نوشتار، ابتدا متن مقاله و سپس به بررسی و نقد آن پرداخته شده است.

## متن مقاله تجوید

قرائت صحیح قرآن موضوع دانش مستقلی با نام علم تجوید (علم التجوید) است که ریزترین جزئیات در مورد شیوه قرائت قرآن، شیوه تلفظ هر هجا، ضرورت توجه لازم به مواضع وقف و ادغام، جاهایی که تلفظ باید کشیده یا کوتاه باشد، جاهایی که باید کلمات را با هم یا جداگانه ادا نمود و مانند آن را تعیین می‌کند. آثار فراوانی به زبان عربی در این باره نوشته شده، اما آثار متأخر به زبان‌های دیگر نیز هست. بر پایه تعالیم اسلامی، یکی از پسندیده‌ترین و ستوده‌ترین اعمال، قرائت قرآن است. به علاوه، ادای کلمات قرآن (تلاوة القرآن) عملی «صواب» (پسندیده) است، صرف‌نظر از آنکه معنای ظاهری یا باطنی آنها درک شود یا نشود، زیرا اهمیت و ارزش این عمل ناشی از اعتقاد، علم و شناخت به آن است که قرآن وحی پروردگار عالمیان است. قرائت قرآن، استعداد، مهارت و هنری با ماهیت آواشناسی، و مبتنی بر قواعد و معیارهایی با تعریف دقیق است، که تشخیص عملی آن به مهارت در گزینش واژگان بستگی دارد. بدین ترتیب، این رشته علمی که اصول قرائت صحیح قرآن و روش‌شناسی اجرای آنها را تصریح، تدوین و تبیین می‌نماید، «علم التجوید»، «فن التجوید»، «احکام التجوید» یا «تجوید القرآن» خوانده می‌شود، که همه آنها بر علم، قواعد و احکام قرائت صحیح قرآن دلالت دارد.

تجوید همچنین به معنای آذین بستن، زیبا ساختن، تزیین کردن و تلاش برای اكمال (مشتق از فعل جَوَدَ) است. کسی که این علم را می آموزد، مُجَوِّد (کارشناس تجوید) و کسی که تمرینات عملی را به مبتدی می آموزد مُقَرِّی (مربی قرائت قرآن) خوانده می شود؛ کسی که در این قواعد و چگونگی کاربرد آنها استاد است، قاری خوانده می شود. کلمه تجوید در قرآن نیامده، اما به جای آن، کلمه «ترتیل» به کار رفته است: «و قرآن را شمرده شمرده بخوان ﴿رَقِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً﴾» (نساء/ ۷۳)، که در چهارچوب این موضوع همان معنای را دارد. به علاوه، در ارتباط با معنای اصطلاحی، این کلمه ارتباط نزدیکی با «مخارج» (مبنای صوت شناختی اصلی) یا محل تولید طبیعی واکها داشته، دقت بیشتری به «صفات» (ویژگی های صوت شناختی) دائمی یا موقتشان مبذول می نماید.

برای تجوید، به عنوان یک رشته علمی، چند تعریف وجود دارد، که هر یک از آنها بر گزینش صحیح واژگان تأکید دارد؛ و این چیزی است که باید هنگام قرائت قرآن، دقت خاصی به آن صورت پذیرد، و قواعد آن معمولاً از منابع کلاسیک اقتباس گردیده است. جلال الدین سیوطی در کتاب الاتقان فی علوم قرآن، این تعریف را ارائه می کند:

«تجوید رشته علمی مطالعه مخارج و نقاط اصلی تولید واکها و روابط متقابل آنهاست که ایجاد کننده انواع گونه های صوت شناختی با اختلافات ظریف می گردد، مانند غُنه، ادغام، تأکید یا عدم تأکید صفات صوتی، تمديد و تطویل صداها، واج گونه ها (انواع تلفظها) حروف مصوت و همه دیگر جزییات مربوط به قرائت قرآن» (n.d: 132).

اما در تلاش برای گردآوری تعاریف کلاسیک و امروزی این دانش، می توان گفت که تجوید علم تلفظ صحیح قرآن است، که به مطالعه همه ظرائف و اختلافات در تلفظ صوامت و مصوتات، مربوط و غیر مربوط و نیز روابط متقابل آنها و نحوه انعکاس مستقیم و غیرمستقیم آنها بر معنا، مفهوم و برداشت اخلاقی و پیام آیات قرآن می پردازد. درواقع، اجرای عملی این دستورات نیز بر سطوح آوایی خاص (تَغْییم) انعکاس دارد، که در آن هم قواعد اولیه و هم ثانویه و هم معیارها باید شناخته و اعمال گردد، که آن نیز به توانایی ذاتی، تمرین گسترده و مسئولیت فرد بستگی دارد.

به علاوه، وقتی موضوع واژه شناسی و روش شناسی این رشته علمی را مورد توجه قرار می دهیم، و تعاریف، ظهور تاریخی و تکامل آن را تحلیل می نماییم، می توانیم بگوییم که تجوید همان آواشناسی مُنَزَل قرآن است، که به سه صفت خود قرآن می پردازد:

۱. تلفظ واک‌های قرآن؛

۲. اشکال وقف و ابتدا؛

۳. تغییرات آواشناختی که در نتیجه تأثیر متقابل واک‌ها، در درون یک واژه و یا به عنوان بخشی از خوشه زنجیری واژگان رخ می‌دهد.

در ارتباط با نکته اول و دوم، تلفظ صحیح واک‌ها و استفاده از قواعد وقف و ابتدا واجب است، زیرا عدم رعایت آنها معنای واقعی آیات قرآن را تغییر می‌دهد. اعمال قواعد عنصر سوم (مَدّ، إكفاء، ادغام، إقلاب، إظهار، و مانند آن) سنت بوده و عدم اجرای آنها مکروه است. این بدان دلیل است که خداوند در قرآن (نساء/ ۷۳) فرمان می‌دهد: «...قرآن را شمرده شمرده بخوان»، که به معنای قرائت صحیح، دقیق، روشن، مسئولانه، آرام و متواضعانه همراه با تفکر درباره پیام‌های قرآن است. دستور این آیه در طبقه‌بندی واجب قرار می‌گیرد زیرا ترتیل (دقت و کمال) در واقع صفت قرآن است، و همانطور که قرآن خود می‌فرماید: «این‌گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] ... و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم ﴿تَرْتِیلاً﴾» (سجده/ ۲۵).

به علاوه، ارزشمندترین قرائت قرآن وقتی است که زبان، عقل و دل با هم به کار گرفته شوند. زبان، آدای صحیح واک‌ها را حفظ می‌کند، عقل معنای آنها را تفسیر می‌کند و قلب تعلیم، اندرزها و هشدارهای آنها را شکوفا می‌سازد. زبان بیان می‌کند، عقل درک می‌کند و قلب پیام را دریافت می‌دارد.

حوزه دیگری که باید مطالعه شود آهنگ است. قرائت قرآن می‌تواند سریع یا کند باشد، اما باید سازگار با توانایی‌های انسان در تلفظ و ادای کلمات باشد. در این معنا، تجوید به موارد زیر تقسیم شده است:

۱. ترتیل (قرائت آهسته و سنجیده)؛

۲. حَدر (قرائت سریع)؛

۳. تَدویر (قرائت با سرعت متوسط).

با در نظر داشتن همه موارد بالا، در نهایت می‌توان گفت که تجوید، احکام و روش‌های قرائت صحیح قرآن را مطالعه می‌کند. قرائت توانایی و مهارت در تشخیص عملی این هنجارهاست و کیفیت اعمال آنها به مسئولیت و مهارت در ادا و تلفظ هر یک بستگی دارد. در خلال قرائت و آموزش، روش سمعی-بصری مؤثرتر است. مبتدیان قرائت، به خصوص در مراحل آغازین، باید مربی داشته باشند تا با تمرینات عملی، در اجرای این قواعد به آنها کمک

کند. همان‌طور که نویسنده مدخل حاضر می‌داند، این حقیقتی مشهور است که بهترین شیوه فراگیری قرائت صحیح قرآن، شنیدن «زنده» قرائت قرآن مطابق قواعد تجوید است، زیرا در این صورت، انسان می‌تواند که در عین حال هم قرائت را طبق قواعد آن فراگیرد و هم از نوای آهنگین آن، که بر وزن استوار و مهذب زیبایی بنا شده و ایجاد کننده احساس رفاه و تأثیری والاست، بهره‌مند گردد.

بالاخره، چون قرآن منبع اصلی همه تعالیم و آموزه‌های اسلامی است، این امر موجب تکامل این رشته و این حقیقت گردید که آثار بسیاری، از جمله در باب قرائت قرآن به هفت یا ده طریق («قراءات سبعه» یا «قراءات عشره») گردید. قراءات اشکال مختلف زبان‌شناختی، لغوی، آوایی، ریخت‌شناختی و ساختاری مجاز در قرائت قرآن هستند و به هیچ وجه «گونه-های متفاوت» شمرده نمی‌شوند. سرچشمه این ظرائف مختلف در این حقیقت است که قرآن آشناترین لهجه‌ها و اشکال بومی زبان عربی مورد استفاده در زمان نزول قرآن را در نظام زبان-شناختی خود ادغام می‌نماید.

### بررسی و نقد

پیش از هر کلامی در باره این مقاله، شایسته است که اشاره‌ای به شخصیت نویسنده آن داشته باشیم.

پروفسور نواد کهتران، استاد تمام فلسفه شرقی و تطبیقی در دانشگاه سارایوو از کشور بوسنی و هرزگوین است. وی از جمله هشت نفری است که در هیئت تحریریه دانشنامه قرآن کریم، اولیور لیمن را یاری کرده‌اند. نواد کهتران در این دانشنامه، هشت مقاله با این عناوین دارد: «فطرة؛ حفیظ/ تحفیظ/ حفظ/ محافظ؛ حکیم/ حکمة؛ حنیف؛ هدایة؛ حزب (نیم‌جزء)؛ احسان/ احسانی؛ تجوید». حوزه‌های مورد علاقه وی را تاریخ فلسفه شرق، فلسفه هند، فلسفه چینی، فلسفه ژاپنی، فلسفه عرب اسلامی و یهودی و فلسفه تطبیقی ذکر کرده‌اند.

### الف: نقاط مثبت مقاله

در آغاز، بایسته است که به نقاط مثبتی که در نوشتار مورد بحث، به نظر آمد اشاره شود. البته نقاط برجسته‌ای در این دائرة المعارف به صورت کلی وجود دارد که در جای خود بازگو شده است؛ اما از آنجا که محور این نوشتار، یکی از مقالات آن است، فقط به بررسی همان پرداخته شده است.

۱. نویسنده در بیان اهمیت جایگاه قرائت قرآن، به برخی روایات اسلامی اشاره نموده است. وی قرائت قرآن را بر پایه تعالیم اسلامی، یکی از پسندیده‌ترین و ستوده‌ترین عمل‌ها برمی‌شمرد. البته هیچ اشاره‌ای به حدیث و خبری نکرده و از مأخذی نیز نام نمی‌برد.

روایات فراوانی در بیان افضلیت یا فضیلت قرائت قرآن و آثار دنیوی و اخروی آن، در منابع فریقین وجود دارد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»؛ «برترین عبادت، قرائت قرآن است» (حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹: ۱۶۸/۶)؛ نیز از آن حضرت چنین نقل شده: «الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مُاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَةِ وَالَّذِي يَقْرَأُ وَهُوَ يَشْتَدُّ عَلَيْهِ فَلَهُ أَجْرَانِ»؛ کسی که قرآن را قرائت کند و در این امر، مهارت داشته باشد، همنشین فرشتگان بزرگوار و نیکوکار است؛ و کسی که با مشقت، قرائت قرآن کند، پاداشی دوچندان دارا است» (ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ۱۴۲۰: ۶۳۱/۲).

۲. نویسنده مقاله، در توضیح «ترتیل»، تعریفی ارائه کرده که بسیار نزدیک به روایت منسوب به امیرمؤمنان علیه السلام است؛ هرچند اشاره‌ای به این روایت نکرده است. مرحوم فیض کاشانی در تفسیر خود، این روایت را چنین یاد می‌کند: «و فی روایة اخرى أن أمير المؤمنين علیه السلام سئل عن ترتیل القرآن فقال: هو حفظ الوقوف و بیان الحروف»؛ «در روایتی آمده که از امیرمؤمنان علیه السلام درباره ترتیل قرآن پرسیده شد؛ فرمودند: ترتیل قرآن، رعایت وقف‌ها و بیان کردن حرف‌ها است» (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۴۱۵: ۷۱/۱). نویسنده مقاله، علاوه بر ذکر اهمیت تلفظ صحیح حروف، بر وقف و ابتدا نیز تأکید می‌کند. هرچند دانش وقف و ابتدا، علمی مستقل است؛ لکن معمولاً به مناسبت‌هایی در اواخر کتاب‌های تجوید به آن اشاراتی می‌شود.

۳. تأکید بر لزوم همراهی دل با زبان هنگام قرائت قرآن. نویسنده مقاله، ارزشمندترین قرائت را به کارگیری و استفاده همزمان زبان و عقل و دل معرفی می‌کند و می‌نویسد: «به علاوه، ارزشمندترین قرائت قرآن وقتی است که زبان، عقل و دل با هم به کار گرفته شوند. زبان، آدای صحیح واک‌ها را حفظ می‌کند، عقل معنای آنها را تفسیر می‌کند و قلب تعالیم، اندرزها و هشدارهای آنها را شکوفا می‌سازد. زبان بیان می‌کند، عقل درک می‌کند و قلب پیام را دریافت می‌دارد». این مسئله، همواره در روایات اسلامی مورد نظر و تأکید بوده است. کلینی در کافی، روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده که در بخشی از آن، آمده: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ؛ آگاه باشید که هیچ خیری در قرائت بدون تدبّر نیست!»

(کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۱/۳۶). امیرمؤمنان (علیه السلام) در توصیه‌های خود به محمد بن حنفیه به قرائت و عمل و پایبندی به دستورات قرآن سفارش فرموده‌اند: «وَعَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالْعَمَلِ بِمَا فِيهِ؛ و بر توباد قرائت قرآن و عمل به محتوای آن» (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۲/۶۲۸).  
 ۴. یکی دیگر از نکات مثبت این نوشتار، اشاره نویسنده به روش مؤثر «سمعی بصری» در آموختن قرائت است. روشن است که مطالعه نظری صرف، مهارت عملی قرآن‌آموز را به دنبال ندارد. تلاش وی، تنها با استماع نحوه ادای حروف، صفات و احکام آنها از اساتید فن و تطبیق قرائت با قرائت‌های معیار، به ثمر خواهد نشست. روش تقلید یا سرمشق‌گیری، یکی از راهبردهای نوین آموزشی است (چینی فروش، راهبردهای یاددهی و یادگیری قرائت قرآن و فنون مربوط به آن، ۱۳۸۸: ۱۶۳).

## ب: نقاط منفی مقاله

به نظر، بهتر است بررسی درباره این مقاله را به دو بخش کلی تقسیم کرد. ابتدا ملاحظات کلی که مربوط به نحوه چاپ و ترجمه این مقاله در دانشنامه فارسی توسط ناشر محترم است؛ و سپس ملاحظات مرتبط با متن مقاله نوشته پروفیسور نواد کهتران.

### الف) ملاحظات مربوط به چاپ و ترجمه

۱. نیاز متن ترجمه، به ویرایشی شایسته‌تر: با مروری در متن، به نظر می‌رسد که مناسب بود فرصت بیشتری در اختیار ویراستاران شکیلی این ترجمه گذاشته می‌شد؛ تا در ویرایش فنی و استفاده از علائم، با حوصله‌ای بیشتر، فهم متن را برای مخاطبان آسان‌تر می‌کردند. مثلاً به نظر می‌رسد استفاده از نشانه «ویرگول»، ضابطه‌مند نیست. گاهی در جاهای غیر ضروری (مانند: پیش از واو عطف)، این نشانه را قرارداده‌اند و گاهی در مواردی لازم، این نشانه وجود ندارد (مانند این جمله: «ستوده‌ترین اعمال قرائت قرآن»؛ که قرار دادن یک ویرگول بعد از کلمه اعمال، خواندن و فهم جمله را آسان‌تر می‌کند) (طریقه‌دار، ویرایش فنی، ۱۳۹۱: ۷۳)؛ یا استفاده بیش از اندازه از واژگان عربی در ترجمه؛ (مانند واژه‌های: اعمال؛ تلفظ). به ویژه کلمه‌ای مانند «اعمال» که به دو صورت در متن به کار رفته است. یکی جمع عمل (کارها) و دیگری مصدر باب افعال (اجرا کردن و انجام دادن). در چنین موردی، برای جلوگیری از اشتباه مخاطب، لازم است تا با قراردادن حرکت کسره یا فتحه در الف نخست، او را به معنای درست، راهنمایی کنیم (همان، ۳۶)؛ در حالی که با استفاده از واژگان هم‌معنا و آشنا، نیاز به حرکت‌گذاری کمتر می‌شود.

در پارگراف آخر، جمله «که آثار بسیاری، از جمله در باب قرائت قرآن به هفت یا ده طریق («قرائات سبعه» یا «قرائات عشره») گردید.»، نقصان و افتادگی دارد.

البته لازم به یادآوری است که ناقد توجه به این مطلب داشته که برخی نکات در ویرایش، به شیوه‌نامه ویرایشی هر نشر مربوط است، مانند اینکه کلمه «ها» (نشانه جمع)، در ترکیب با کلمات، جدا، با نیم‌فاصله نوشته شود (همان، ۲۲) یا پیوسته (توانایی‌های - تواناییهای)؛ که در این مقاله، اصل بر پیوند این نشانه به کلمات قبل، بوده است.

۲. فقدان بررسی، نقد و اصلاح مقالات: متنی که از سوی صاحبان فرهنگ و اندیشه‌ای متفاوت با مؤلف، ترجمه شده و در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد، ممکن است در مرحله اول، مخاطب را به این گمان وادارد که مترجم، ناشر و صادرکننده مجوز نشر، محتوای آن را کاملاً تأیید می‌کنند؛ در حالی که در بسیاری موارد، چنین نیست. برای جلوگیری از این برداشت نادرست، به نظر می‌رسد که توضیحاتی هر چند در حد پاورقی‌های علمی مختصر یا حتی معرفی و ارجاع به منابع مورد نظر برای نقد و اصلاح، در این گونه مجموعه‌ها لازم باشد. این مهم، وقتی بیشتر جلوه می‌کند که تعجیل در کار، حتی فرصت اشاره کلی به این تفاوت‌های نظری را در مقدمه کتاب نیز سلب کرده باشد. البته در موارد محدودی از مقالات، ناشر اشاره مختصری به نقد مطالب کرده است (مانند مقاله «مباهله»).

۳. فقدان مقدمه: به نظر می‌رسد هر اثری، برای معرفی خود نیاز به مقدمه‌ای هر چند کوتاه، دارد. مسلماً این اثر گرانب‌ها نیز برای به ثمرنشتن، تلاش‌های بزرگ و دامنه‌داری را سپری کرده و زحمات فراوانی به دوش مترجم و ناشر محترم و سایر همکاران گذاشته است. بسیار شایسته بود که این مقدمه به همراه معرفی اصل اثر و حتی بیان نقدهای کلی به آن و ذکر شواهدی از برخی مقالات آن، چاپ می‌شد و بیانگر کوشش عزیزان نیز می‌بود.

#### ب) ملاحظات مربوط به محتوای مقاله

۱. از نشست‌های علمی و حوزه‌های علاقمندی نویسنده و از متن مقاله تجوید وی، چنین به دست می‌آید که این مقاله با تخصص نویسنده، همخوانی نداشته است؛ اما علت سپردن نگارش آن به وی، روشن نیست. آیا علاقمندی و تحقیقات وی در تاریخ فلسفه شرق و فلسفه عرب اسلامی سبب آن بوده؛ یا اصل رعایت تنوع ملیت‌ها در نگارش مقالات؟! اولیور لیمن در مقدمه این کتاب می‌گوید: «نویسندگان این دایرةالمعارف، شغل‌های گوناگونی دارند. برخی

مسلمان و عده‌ای غیرمسلمان هستند و گروهی نیز به هیچ چیز اعتقادی ندارند، اما همه درباره قرآن کنجکاوند. چون نویسندگان، سوابق و پشتوانه اعتقادی مختلفی دارند، باید خوانندگان توقع داشته باشند که دیدگاه‌ها و نظریات وسیع و فراوان را در این دایرةالمعارف ببینند». لازم به ذکر است که درباره برخی مقالات دیگر نیز از مجموعه مقالات این دانشنامه، همین اشکال وارد است.

۲. در این مقاله، نویسنده بعضاً به حکم شرعی اشاره کرده، اما مصدر آن را ذکر ننموده است. مثلاً در بحث اقسام و زیرمجموعه‌های تجوید، رعایت برخی را واجب توصیف کرده و رعایت برخی را سنت و مستحب دانسته و عدم رعایت آن را مکروه برشمرده است. روشن است که اگر منظور از این سخن، حکم فقهی باشد، لازم است مستند به دلیل شرعی یا دست‌کم بر اساس فتوای مجتهدی باشد؛ اما نویسنده مقاله صرفاً به بخشی از دو آیه قرآن اشاره کرده و بر حکم «وجوب» پای می‌فشرد. وی با توجه به فعل امر در آیه «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً» (مَزْمَل/ ۴) و اینکه عدم رعایت قواعد وقف و ابتدا موجب تغییر معنای آیات قرآن می‌شود، رعایت آن را واجب می‌داند. دقت شود که اشکال به عدم ذکر منبع شرعی در بیان این حکم فقهی است؛ هر چند اصل این سخن، جای بحث و بررسی دارد و ممکن است در برخی صورت‌ها، پذیرفتنی باشد.

۳. عدم تفکیک تعریف تجوید در لغت و اصطلاح، موجب شده که نویسنده از آغاز تا انجام مقاله، به صورت نامنظم به تعریف اصطلاحی پردازد و در میان بحث، به معنای لغت نیز اشاره‌ای داشته باشد. روش تحقیق و دسته‌بندی منطقی، ایجاب می‌کرد که بحث لغوی و اصطلاحی، به صورت روشن و مستقل مطرح می‌شد. به عنوان نمونه، در کتاب معروف «النشر فی القرائات العشر» نوشته ابن جزری (۸۳۳- ۷۵۱ ق) در معنای تجوید، ابتدا معنای لغوی آن را گفته و سپس به معنای اصطلاحی آن پرداخته و آن را نهایتِ نیکویی تلفظ و نطق به حروف و کلمات معرفی کرده و قرائت بدون رعایت تجوید را «لحن» یعنی خطا و لغزش دانسته است (ابن جزری، النشر، بی تا: ۱/ ۲۱۰).

۴. تغییرات مکرر در تعریف اصطلاحی تجوید و آمیختگی آن با قرائت و ترتیل، خواننده مقاله را سر در گم کرده و تعریف جامع و روشنی به دست وی نمی‌دهد. در حالی که بهتر این بود که نویسنده با جمع‌بندی اقوال و آرای مطرح‌شده، تعریفی کامل بیان می‌نمود و سخن از ترتیل را به عنوان یک فصل جدا در همین مقاله یا حتی یک مدخل مستقل، بررسی می‌کرد. نویسندگان

فن، بحث از ترتیل و معنای لغوی و اصطلاحی آن را جدای از معنای تجوید ذکر کرده و تفصیل داده‌اند (ابن جزری، التمهید فی علم التجوید، ۱۴۲۱: ۶۰؛ العلاف، البیان فی علوم القرآن، ۱۴۲۲: ۸۱/۲؛ غانم قدوری، الدراسات الصوتية عند علماء التجوید، ۱۴۲۲: ۴۶۹).

۵. این مقاله فاقد تاریخچه در موضوع علم تجوید است. نویسنده به ذکر این مطلب بسنده کرده که «آثار فراوانی به زبان عربی در این باره نوشته شده، اما آثار متأخر به زبان‌های دیگر نیز هست». این در حالی است که نویسنده، در تمام این مقاله چهار ستونی، فقط در یک موضع و فقط از یک منبع، مطلبی در تعریف تجوید ذکر می‌کند؛ در حالی که در منابع مربوطه، بحث‌های مفصلی از پیشینه این دانش و حتی لفظ «تجوید» به میان آمده است (ابن جزری، التمهید فی علم التجوید، ۱۴۲۱: ۵۹؛ غانم قدوری، ابحاث فی علم التجوید، ۱۴۲۲: ۹). نویسنده، حتی اشاره‌ای به عناوین سابق یا مترادف علم تجوید، مانند «علم الأداء، علم القراءة، علم التلاوة، علم التلقين و وصف القراءة» نیز نکرده است (عبدالسمیع الحفیان، اشهر المصطلحات فی فن الاداء و علم القرائات، ۱۴۲۲: ۱۵-۱۷؛ علی الصغیر، الصوت اللغوی فی القرآن، ۱۴۲۰: ۱۱۲؛ قدوری، الدراسات الصوتية عند علماء التجوید، ۱۴۲۲: ۴۶۱).

۶. چنانچه در عالم اسلام برای همگان روشن است، علم تجوید دارای مبانی، روش، منبع و ساختار مستقل و متنوعی است. بنا بر این، شایسته بود که نویسنده این مقاله به این وسعت نگریسته و اشاره‌ای به مباحث، منابع و آثار مختلف آن می‌کرد و رابطه آن را با علوم دیگر بیان می‌نمود. دانش تجوید، با چند دانش دیگر از علوم قدیم و جدید نیز گره خورده است؛ مانند: مباحث فقهی، تفسیری، زیباشناسی و هنری، فیزیولوژی، آواشناسی و موسیقی (الحاج احمد، موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن والسنة، ۱۴۲۴: ۵۹۸؛ معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۳۹۴؛ نقی‌پورفر، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن کریم، ۱۳۸۱: ۴۰۲ به بعد).

۷. یکی از جلوه‌های عالم‌گیر جهان امروز، مسابقات قرآنی جهان اسلام است که در رشته‌های مختلف و در گستره‌هایی متفاوت با حضوری پرشور برگزار می‌شود. جالب آنکه در تمام رشته‌های قرآنی (در بخش شفاهی)، تجوید یکی از مهم‌ترین عناوین ارزیابی و مهارت‌سنجی است. شایسته بود که به این بُعد اجتماعی و فرهنگی این دانش نیز اشاره می‌شد.

۸. جمله پایانی مقاله، اظهار نظری ناقص درباره قرائات است. نویسنده، سرچشمه تنوع در قرائات را تنها «لهجه‌ها و اشکال بومی زبان عربی» دانسته؛ در حالی که دانشمندان اسلامی،

اسباب دیگری را نیز در پیدایش این اختلافات برشمرده‌اند؛ از جمله: اجتهاد قاریان (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۱۵۰؛ طالقانی، علوم قرآن و فهرست منابع، ۱۳۶۱: ۲۳۵-۲۴۰)، اختلاف مصحف‌های مناطق مختلف، روحیه‌های غیرمتعارف (طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، ۱۳۷۷: ۴۴۰-۴۵۰)، نظرات سیاسی (کمالی، شناخت قرآن، ۱۳۷۰: ۱۳۸).

البته درباره لهجه‌ها و شکل بومی زبان عربی نیز، تفصیل زیادی وجود دارد که نویسندگان اصلاً اشاره‌ای به آنها نکرده است. توضیحاتی مانند: ابتدایی بودن خط، فقدان نقطه، فقدان علائم و حرکات، نوشته نشدن الف در کلمات (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۸۲: ۱۴۲-۱۴۷؛ میرمحمدی زرنندی، تاریخ و علوم قرآن، ۱۴۲۰: ۱۷۱-۱۷۴).

### نتیجه

مقاله تجوید در دانشنامه قرآن، نوشته «نواد کهتران»، در کنار نقاط مثبتی همچون اشاره به برخی روایات در باب فضیلت قرائت قرآن، تأکید بر لزوم همراهی زبان با عقل و دل در وقت قرائت و تأثیر روش سمعی بصری در آموزش قرآن، دارای نقاط ضعفی در ساختار، روش، منبع و محتوا نیز هست. اشکالاتی همچون: عدم تخصص نویسنده در موضوع مقاله، عدم ذکر تاریخچه و پیشینه بحث، عدم ذکر منابع و اشاره به آنها در بحث‌ها، عدم اشاره به گستردگی دانش تجوید و ارتباط آن با دیگر علوم و نقصان مطلب درباره منشأ پیدایش قرائات. همچنین در این نوشتار، به نواقص ترجمه این اثر و انتشار آن بدون مقدمه و پاورقی‌های اصلاحی اشاراتی صورت گرفت.

## منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد، التمهید فی علم التجوید، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی قرائات العشر، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۴. ابو داوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، قاهره: دار الحديث، ۱۴۲۰ق.
۵. چینی فروش، غلامرضا و سید علی، سرابی، راهبردهای یاددهی و یادگیری قرائت قرآن و فنون مربوط به آن، مشهد: جامعه قاریان قرآن مشهد، ۱۳۸۸.
۶. الحاج احمد، یوسف، موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن والسنة، دمشق: مكتبة ابن حجر، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۸. الحمد، غانم قدوری، ابحاث فی علم التجوید، عمان: دار عمار، ۱۴۲۲ق.
۹. الحمد، غانم قدوری، الدراسات الصوتیة عند علماء التجوید، عمان: دار عمار، ۱۴۲۴ق.
۱۰. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، قم، بی تا.
۱۱. طالقانی، سید عبدالوهاب، علوم قرآن و فهرست منابع، قم: دار القرآن الکریم، ۱۳۶۱ش.
۱۲. طاهری، حبیب الله، درس های از علوم قرآنی، قم: اسوه، ۱۳۷۷ش.
۱۳. طریقه دار، ابوالفضل، ویرایش فنی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۱ش.
۱۴. عبدالسمیع الحفیان، احمد محمود، اشهر المصطلحات فی فن الاداء و علم القرائات، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.

۱۵. علاف، ادیب، البیان فی علوم القرآن، دمشق: مكتبة الفارابی، دمشق، ۱۴۲۲ق.
۱۶. علی الصغیر، محمدحسین، الصوت اللغوی فی القرآن، بیروت: دار المؤرخ العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مكتبة الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۹. کمالی دزفولی، سید علی، شناخت قرآن، قم: اسوه، ۱۳۷۰ش.
۲۰. لیمن، اولیور، دانشنامه قرآن کریم، مترجم: محمدحسین وقار، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۱ش.
۲۱. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ش.
۲۲. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۲۳. میرمحمدی زرنندی، سید ابوالفضل، تاریخ و علوم قرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
۲۴. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، تهران: اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.